

به آیتی نبود که نشنند از زبان خداوند تا بگویند و استعانت
خواهند در نصیحت کردن باشند چیزی نشنوند که ایشان نرا که خوش
آید و از حجت گفتن کنعان باشند که فرمود که هر که از خدای خواهد
اضلال گشت و هر که خواهد براه راست بر آید و خداوند که ضلال الهی
و اولیا گنوا هر ضلال آنان خواست که در دیگر آیت بیان کرد
و گفت **وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ** و به هدایت آنان را خواست که **وَالَّذِينَ**
جَاهِلُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا و مراد با ضلال اینجا خذلان است
یعنی هر که از خدای خواهد خذلان گشت هر که را خواهد گشت و لطف گشت
چون بسیاری او را چیزی متواتر آیت و بر اینها واضح بر عوض
گشت و او در آن نظر نگشت و اندیشه را کار نبرد خدایم او را آوی
گذازد چنانکه گفت **وَتَرْكَبُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يَبْصُرُونَ** و فردا وقت است
از راه ثواب و بهشت که راه گشت چون از این بهشت و ثواب نباشد
و انرا که خواهد به بهشت راه دهد چنانچه این باشد ایمان و طاعت و
اضلال

عنوان با اختیار ایمان ازین واجب بودی که اظهار کردی و لیکن این
جماعت آنکه خدایم از ایشان دانند که هدایت کرد و مقدر است
اگر ایشان از نذر ایشان ایمان نیارند چنانکه فرموده است **وَالَّذِينَ آمَنُوا**
الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا بِحَقِّ آيَاتِنَا سَعَوْا بِمَلِكٍ آنکه فرمود که نباید که
کسی پس از آنکه ایشان با خبری گشتند ما را عاجز گردانند و از ایشان
و ایمان آوردن ایشان عاجزیم چنین نیست **وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَطَمْنَا عَلَى**
الْأَعْقَابِ آنکه ما را آفریده کاریم خدایم که ایشان نرا ایمان داریم و چه قدر کنیم
توانیم از آنکه قادر و توانا ایم چنانکه گفت **وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَطَمْنَا عَلَى**
هر بهای ما حکمت ازین مانع است که تکلیف اختیاری است از ایشان
اگر رسول را نمی کرد از آنکه کار جهل گشت از خبری و ناسکیبایی برای
آنکه ایشان ایمان نمی آرند و گفتند **فَلَا تَكُونُوا مِنَ الْكٰفِرِيْنَ** ای محمد
از جاهلان مباش بلکه کار جاهلان کنی و این دلیل گشت بر آنکه او کار
جاهلان گشت چه نمی از آن گشت که در او بگردد باشد و قادر باشد بر آن برای
آنکه چون نگردد نوبت از آنکه نمی او تعلق دارد اگر او را نمی گشت از آن
پس از مثل آن نمی باشد نه از آن و مسئله **لَيْسَ اَشْرَكَ لَكَ لِحَبِطُونَ**

Copyright © King Fahd University